

عقدبندان‌های سه سوته!

ساره میرحسینی

بسته آمده تا ببینید برای وام ازدواج چه کار باید بکنید. در کنار این موارد روزها و ماه‌های خاص مثل چهار ، چهار ، هزار و چهارصد و چهار ترافیک مراسم عقد در محضر چندین برابر است و آشفته‌بازاری‌ست عیان!

یکی از مهمانان حاضر در مراسم که مثل بقیه منتظر است تا سیستم وصل شود می‌گوید: حالا چندان ربطی هم به این تاریخ خاص ندارد. فقط باید شانس بیاوری که آن روز یکی دو ازدواج برای عقد اسم ننوشته باشند و گرنه باید خیلی سریع بنشیننی سر سفره عقد ، خطبه خوانده شود و بروی تا گروه بعدی بیایند داخل. یعنی شما به عنوان عروس و داماد با سرعت نور باید حلقه و ساعت را بندازی دست و آیین شمع‌دانت را جمع کنی بروی .

عروس و دامادی که مشغول جمع کردن ظرف غسل و سبد گیفت برای میهمان‌ها و ... در رابطه با مراسم عقدشان ، ظرف غسلشان را با خنده نشان می‌دهند و می‌گویند : شما ببین مراسم چند دقیقه‌ای تمام شد که غسل هم بی استفاده موند. عروس که به نظر می‌آید از این شرایط ناراحت است می‌گوید : من فکر میکردم دست کم چهل و پنج یا کمی بیشتر مراسم طول می‌کشد. و گرنه عکاس نمی‌آوردیم و خیلی از هزینه‌های دیگر رو که فکر می‌کردم برای یک مراسم یک ساعته قشنگ و جذاب هست را آماده نمی‌کردم. یه جوری خورده تو ذوقم که به عنوان یک خاطره از مراسم ازدواجم اصلاً نمی‌خوام بهش فکر کنم یا

در ادامه‌ی الکترونیکی شدن تمام جنبه‌های زندگی ، مراسم عقدبندان هم بی نصیب نمانده و دیگر خبری از سفره عقد ، لباس سبز عروس ، کاسه نبات و ... نیست. نه که نباشد ، هست. اما تمام این‌ها برای مدت زمان یک ربع توسط خانواده‌ی عروس و داماد تدارک دیده شده‌اند تا با سرعت بر سر سفره‌ی محضر چیده شوند و عروس بله را بگوید و تمام. شبیه این هست که از تعدادی مهمان هم‌زمان که پذیرایی می‌کنی، آن‌طرفتر کار اداری هم انجام بدهی و نگاهت به ساعت باشد تا عروس بگوید بله، بساط سفره‌ای را که طی دو سه روز آماده کردی جمع کنی و بروی تا خانواده‌ی بعدی که این مدت از پشت شیشه مشغول تماشا بودند به سرعت نور وارد سالن شوند!!

مراسم عقد بندان در محضر به این صورت هست که از چند روز قبل برای یک روز مشخص در یک ساعت معین ، سالن رزرو می‌شود تا عروس و داماد مهمان دعوت کنند و ... ساعت هشت صبح است. قرار هست اولین عروس و داماد بیایند تا خطبه‌ی عقدشان خوانده شود. اما ساعت از نه گذشته و همچنان عروس و داماد و خانواده‌اش در گرمای سی و نه درجه وسط کوچه ایستاده‌اند. عروس غر می‌زند که چه انتخاب تور بهاره برای لباسش چه انتخاب اشتباهی بوده . سیستم قطع است. برق رفته و دامادی که شب پیش عقد

